



شهید قاسم سلیمانی

شهید مهدیحسن نصرالله

شهید ابوبه‌دی الهفندس

شهید مصطفی چمران

شهید اوداردو آنبیلی

شهید حسن شاطری

شهید حسن نظرائی مقدم

شهید حسین همدانی

شهید مصن لفرزاده

شهید صیاد شیرازی

شهید محسن حججی

شهید سیدمحمدباقر حکیم

شهید عداد مغنیه

شیخ ابراهیم زکرائی

دکتر رمضان عبدالله

سردار ابراهیم محمدزاده

مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با دانش آموزان و دانشجویان در سال ۱۴۰۲ فرمودند: «مردم غزه با صبر خودشان توانستند وجدان بشری را به حرکت دریاورند. الان شما ببینید در دنیا چه خبر است. در همین کشورهای غربی– در انگلیس، در فرانسه، در ایتالیا، در ایالت‌های مختلف خود آمریکا– مردم با جمعیت‌های انبوه می‌آیند داخل خیابان، علیه اسرائیل و در موارد بسیاری علیه آمریکا شعار می‌دهند؛ آبروی اینها رفت. اینها واقعاً هیچ عاجلی ندارند، نمی‌توانند توجیه کنند، لذا می‌بینید یک ابلهی پیدا می‌شود می‌گوید: اجتماع مردم در انگلیس کار ایران است؛ لابد بسیج لندن این کار را کرده، بسیج پاریس این کار را کرده.» ۱۴۰۲/۰۸/۱۰

این تغییر نغز و سخن پرمضمون و پرکنهت، بازتاب گسترده‌ای داشت و به‌سرعت در شبکه‌های اجتماعی ترند شد.

ما نیز در گزارشی با عنوان «بسیج لندن و پاریس چه‌ها می‌کنند» در آبان‌ماه ۱۴۰۲، به توضیح و تفسیر این دیدگاه رهبر عزیز و فرزانه‌مان پرداختیم که این تیترو گزارش بازتاب گسترده‌ای در فضای مجازی و خبرگزاری‌ها داشت.

در این گزارش نوشته بودیم: «در توضیح عمق این سخن باید بگوییم که دو مقولهٔ مهم و راهبردی «صدور انقلاب» و «جهانی شدن مبارزه با رژیم اشغالگر قدس»، دو مورد از برکات و دستاوردهای عظیم انقلاب اسلامی ایران هستند که ایران اسلامی هر دو را از طریق معنوی و به دور از حضور فیزیکی و کشورگشایی‌های مرسوم به انجام رسانیده است و همین امر موجب بروز چنین موج‌ها و جرقه‌هایی حتی در کشورهایی مانند آمریکا و انگلیس و فرانسه گردیده است. جهانی کردن مبارزه با رژیم صهیونیستی، یکی از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب امام خمینی(ره) است…»

در اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۳ نیز در گزارشی با عنوان «پشتتازی بسیج لندن و پاریس و نیویورک»، مصادیق بیشتری از تحقق تغییر رهبر انقلاب ذکر کردیم.

بسیج واشنگتن!

و اکنون با تشکیل بسیج واشنگتن و دستاوردهای آن روبه‌رو شده‌ایم.

اخیراً دو کارمند سفارت رژیم صهیونیستی در واشنگتن، در یکی از امن‌ترین نقاط واشنگتن هدف تیراندازی قرار گرفته و به هلاکت رسیدند. روزنامه کیهان بلافاصله بعد از وقوع این حادثه، در مطلبی با عنوان «بسیج واشنگتن» در بخشی از روزنامه که نامش «گفت‌وشنود» است، نوشت:

«گفت: از برادر عزیزمان «الیاس رودریگز» چه خبر که در واشنگتن دو تا از حیوانات وحشی صهیونیست را با شلیک گلوله به درک فرستاد؟

گفتم: دمش گرم. شروع خوب و خدابسنده‌انه بود. می‌گویند «بسیج واشنگتن» با این اقدام انقلابی اعلام موجودیت کرده است.

گفت: این برادر بسیجی بعد از کشتن آن دو رأس صهیونیست، با کمال شجاعت و خونسردی ایستاده و در حالی که دستپنجه زده بودند، شعار «زندهباد فلسطین» سر داده است.

گفتم: یاد شهید بسیجی، محمد شهنساری به‌خیر که در حال اسارت توسط ارتش یعنی‌ها با کمال شجاعت شعار «مرگ بر صدام، ضد اسلام» سر داده بود. گفت: «کریستی نوم»، وزیر امنیت داخلی آمریکا از این واقعه به‌شدت ابراز نگرانی کرده و گفته است، بعید نیست که این‌گونه اقدامات به یک رویه تبدیل شده و باز هم تکرار شود.

گفتم: شخصی کنار یک چاه ایستاده و پشت‌سر هم تکرار می‌کرد؛ چهار، چهار، چهار و… یکی نزدیکش شد و پرسید: چه می‌گویی؟ طرف او را هم درون چاه پرت کرد و گفت: پنج، پنج، پنج…»

حادثهٔ ضدصهیونیستی در قلب آمریکا

۱ خرداد ۱۴۰۴، یک آمریکایی در ساعت ۲۱:۰۸ به وقت محلی دو کارمند سفارت رژیم صهیونیستی در واشنگتن را در مجاورت موزه یهودیان این شهر (موزه کاپیتال) هدف تیراندازی قرار داد و به هلاکت رساند. فردی که این عملیات را انجام داد، الیاس رودریگز نام دارد که ۳۰ ساله و متولد شیکاگو است. وی هنگام بازداشت شعار «فلسطین را آزاد کنید» سر داد و پس از اجرای عملیات، خود را تسلیم پلیس کرد. دو زوج دیپلمات کشته شده، با نام‌های یارون لیشینسکی و سارا لین میلیگریم، پس از حضور در یک مراسم در موزه یهودیان هدف شلیک گلوله قرار گرفتند. یارون لیشینسکی، ۲۸ ساله و پژوهشگر دیپارتمان سیاسی سفارت اسرائیل و سارا لین میلیگریم کارمند بخش دیپلماسی عمومی سفارت بود. لیشینسکی دارای مدرک کارشناسی روابط بین‌الملل از دانشگاه عبری و کارشناس‌ارشد دیپلماتیک از دانشگاه رایسمن بود. او به عنوان پژوهشگر در سفارت بر مسائل خاورمیانه و شمال افریقا تمرکز داشت. سارا لین میلیگریم در بخش دیپلماسی عمومی سفارت کار می‌کرد و آمریکایی‌تبار بود. او در سازماندهی رویدادهای فرهنگی و دیپلماتیک نقش داشت.

ترور در مقابل موزه یهودی کپیتال در قلب پایتخت آمریکا انجام شده است. این منطقه کمتر از دو کیلومتر با کاخ سفید و کنگره فاصله داشته و به مقر افبی‌آی و وزارت دادگستری نیز نزدیک است. ترور در یکی از امنیتی‌ترین نقاط آمریکا و جهان صورت گرفته است. این منطقه به دلیل حضور نهادهای فدرال و امنیتی، یکی از امن‌ترین مناطق واشنگتن محسوب می‌شود.

دو فرد کشته‌شده در حال خروج از رویداد «پذیرایی دیپلمات‌های جوان» بودند که توسط کمیته یهودیان آمریکا (AIC) در موزه یهودی برگزار شده بود. این موضوع نشان می‌دهد که به دلیل گردهمایی، ضربت امنیتی مثل افزایش شتاب داشته است؛ لذا هدف قرار نگرفت سایر مهمانان و شکار دقیق دو کارمند سفارت رژیم صهیونیستی دارای اهمیت است. رودریگز که پیش از حمله در حال قدم زدن مقابل موزه بود، پس از خروج این ۲ دیپلمات، به گروه ۵ نفره آنها نزدیک شد و با اسلحه کمری به سوی لیشینسکی و میلیگریم شلیک کرد.



شهید حسن نظرائی مقدم

قرار دارند و به عنوان «یهودیان ضدصهیونیست» معروف هستند و علاوه‌بر اینها احساسات و تجمعات و اقدامات ضدصهیونیستی در دنیا در اوج خود است و مردم دنیا حتی در کشورهای دوست و متحد اسرائیل به‌ویژه در آمریکا اقدامات شدید و گستردهٔ ضدصهیونیستی انجام می‌دهند و هم‌روزه تجمعات و اعتراضات زبانی و اظهارنظرهای متعددی در محکومیت جنایات بی‌سابقهٔ تاریخی و نسل‌کشی گسترده و خونین در غزه در گوشه و کنار جهان در اخبار رسانه‌ها منتشر می‌شود.

عبدالباری عطوان تحلیلگر معروف جهان عرب و سردبیر روزنامه رای الیوم، در مطلبی تحلیلی در روزنامه رای الیوم با اشاره به حادثهٔ تیراندازی در مقابل موزه واشنگتن و کشته شدن دو کارمند سفارت رژیم صهیونیستی آورده است: عملیات واشنگتن که یک شهروند آمریکایی با تیراندازی به سمت کارکنان سفارت اسرائیل در برابر موزه یهودی در قلب پایتخت آمریکا انجام داد، اولین واکنش به نسل‌کشی و پاکسازی نژادی رژیم اشغالگر در غزه است که تاکنون به شهادت، زخمی شدن و مفقود شدن شمار زیادی از ساکنان غزه منجر شده است. این عملیات از دیدگاه ما هشداری درباره انتقال آن به دیگر مناطق آمریکا و جهان است؛ در صورتی که جنگ غزه متوقف نشود.

وی نوشت: مکر صهیونیستی هنگامی به اوج خود رسید که بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی و پس از آن دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا به دنبال بهربرداری از این عملیات برای گسترش نسل‌کشی در غزه برآمدند با این ادعا که تیراندازی در واشنگتن در راستای یهودی‌ستیزی و نبود امنیت برای یهودیان در دنیا است.

جهانی‌شدن مبارزه با رژیم اشغالگر قدس

◀ **کارمان پورعباس** ▶

دریافت کرد. پس از آن به عنوان نویسنده محتوا برای چندین شرکت در زمینه فناوری در داخل و خارج از ایالات‌متحده آمریکا کار کرد. وی در سال ۲۰۲۳ به مؤسسه «سازندگان تاریخ» پیوست و به پژوهشگر در تاریخ شفاهی تبدیل شد که شاخه‌ای از علم تاریخ است و به جمع‌آوری و مستندسازی روایات شخصی و خاطرات شفاهی افرادی که شاهد رویدادهای خاصی بودند، می‌باشد. رودریگز در کار خود در این مؤسسه بر مستندسازی زندگی‌نامه رهبران برجسته در جامعه آمریکا از تبار آفریقایی تمرکز داشت.

رودریگز در محله آوندیل شیکاگو زندگی می‌کرد. ناگاهی به مطالب پیج‌هایش نشان می‌دهد که وی یک شخص ضدصهیونیست و ضدامریالیست و مخالف حضور نظامی آمریکا در جنوب‌غرب آسیا و ارسال تسلیحات در آمریکا به این منطقه است.

در سال ۲۰۱۷، رودریگز در اعتراضی در مقابل خانه رام امانوئل، شهردار وقت شیکاگو که توسط گروه‌هایی از جمله زنان با ایمان «جان‌سیاه‌پوستان مهم است» سازماندهی شده بود، شرکت کرد. رودریگز در جریان این تظاهرات که در سالگرد قتل لاگون مک‌دونالد توسط پلیس شیکاگو برگزار شد، با اشاره به نژادپرستی سیستماتیک و نابرابری اقتصادی، استدلال کرد که تلاش این شهر برای میزبانی از دفتر مرکزی آمازون و مرگ مک‌دونالد، مسائلی مرتبط با هم هستند.

منزوی بودن آمریکا و اسرائیل

در محله الیاس رودریگز

پس از رخ دادن حادثه ترور دو کارمند سفارت اسرائیل در واشنگتن و اعلام الیاس رودریگز به عنوان مظنون اصلی، خبرنگاران به محله زندگی‌اش هجوم آوردند تا اطلاعاتی در موردش به دست آورند که با صحنه عجیبی روبه‌رو شدند. یکی از همسایگان رودریگز در جمع خبرنگاران حملات تل‌آویو به غزه و حمایت واشنگتن را مورد انتقاد قرار داد. همسایه الیاس رودریگز، با حمایت از مردم غزه و محکوم کردن کشتار ساکنان این باریکه، خواستار برقراری آتش‌بس شد.

وی در جمع خبرنگارانی که او را احاطه کرده بودند، اظهار کرد: دو کشته در دی‌سی و ۵۰ هزار قربانی در غزه داریم! شب گذشته چند کودک (در غزه) از گرسنگی جان دادند!

وی در توضیح ویژگی‌های شخصیتی مظنون حمله نیز گفت که رفتارش آرام و دوستانه بوده است. وی که پلاکاردی با مظلون «آتش‌بس همین حالا» به همراه داشت، تأکید کرد که اسلحه و بمب نمی‌تواند این نسل‌کشی را پایان دهد و در ادامه خواستار آتش‌بس و پایان کشتار ساکنان غزه شد.

دروغ یهودی‌ستیزی

و نتیجه معکوس برای اسرائیل

تقریباً اکثریت افرادی که این ترور را محکوم کرده یا در برابر آن موضع گرفته‌اند مثل رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی و رئیس‌جمهور آمریکا و بسیاری از مغفورهای آمریکایی و اسرائیلی، بر ادعای دروغین «یهودی‌ستیزی» تکیه و تمرکز داشته‌اند و سعی کرده‌اند این حادثه را اقدامی یهودی‌ستیزانه قلمداد کنند؛ این در حالی است که صهیونیسم یک حزب انحرافی و سیاسی و رژیم صهیونیستی یک پادگان توروریستی و یک رژیم تروریست و کودک‌کش است و جهانپار بر جدا بودن یهود از صهیونیست اذعان دارند و بسیاری از یهودیان در صف نخست مبارزه با رژیم اشغالگر قدس

و شوک نهادهای امنیتی آمریکا شده است و برای آنها یک شکست بزرگ به حساب می‌آید.

- از سوی دیگر بارها برای هدف قرار دادن دیپلمات‌های رژیم صهیونیستی در کشورهای مختلف غربی و شرقی اقداماتی انجام شده بود که تمام آنها ناکام مانده بود و رخ دادن این عملیات در واشنگتن، شهری که کمتر کسی انتظار وقوع این عملیات را در آن داشت، منجر به وحشت دیپلمات‌ها و شهرکنشینان صهیونیست خارج از سرزمین‌های اشغالی شده است. - این ۲ دیپلمات در رویدادی که برای سفیدشویی و جنایات رژیم صهیونیستی در نوار غزه در موزه مذکور برگزار شده بود، در آن مکان حضور داشتند و این منطقه از واشنگتن به دلیل واقع شدن در مرکز شهر و مجاورت با دفاتر فدرال و امنیتی واشنگتن‌دی‌سی، همچنین کاخ‌سفید، مکان امنی برای برگزاری جلسات سفیدشویی و میتینگ‌های صهیونیست‌های مقیم آمریکا تشخیص داده شده بود؛ به‌ویژه در اوج تظاهرات حامیان فلسطین در آمریکا که در روزهای اخیر به دلیل افزایش جنایات رژیم اشغالگر در نوار غزه و افزایش امار شهادی غیرنظامی در این باریکه شدت گرفته است. از این‌رو این عملیات پیام‌های امنیتی و روانی گسترده‌ای برای دیپلمات‌ها و صهیونیست‌های آمریکا همچنین جهان داشت و هشداری جدی برای اشخاصی بود که تلاش می‌کنند با خون‌شویی از جنایات وحشیانه رژیم صهیونیستی در نوار غزه و کرانه باختری اقدامات اشغالگرانه خود را توجیه کنند.

- دیپلمات‌های اسرائیلی در زمان حمله در حال خروج از «موزه یهودیان واشنگتن» بودند که مکانی نمادین برای جامعه یهودی آمریکا محسوب می‌شود. ترور این افراد در نزدیکی چنین مکانی نشان‌دهنده هدف قرار گرفتن نمادهای اسرائیل در خارج از مرزهایش است که پیامی هشدارآمیز برای صهیونیست‌ها به همراه دارد و آن پیام این است: هیچ جای جهان برای شما امن نیست.

- این عملیات ضدصهیونیستی منجر به ایجاد نگرانی جدی در میان دیپلمات‌های رژیم اشغالگر فعال در کشورهای غربی شده است، زیرا نشان داد جنایات غزه می‌تواند به اقدامات انتقامی مستقل و مستقیم در محیط‌های ظاهرآ امن بین‌المللی علیه آنها منتهی شود. از سوی دیگر واکنش طرفداران فلسطین در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها بر نگرانی مقامات صهیونیست و نهادهای امنیتی آمریکا و کشورهای غربی افزود. برخی کاربران شبکه‌های اجتماعی حامی فلسطین که جنایات رژیم اشغالگر را به صورت روزانه مستند کرده و از شدت این جنایات به ستوه آمده‌اند، اقدام الیاس رودریگز را «مقاومت در برابر ظلم» توصیف و از آن قدردانی کردند؛ واکنشی طبیعی به جنایات رژیم صهیونیستی که پیش از این برخی اپوزیسیون رادیکال رژیم اشغالگر در روزهای گذشته درباره آن هشدار داده بودند. جنایات جنگی بی‌پایان رژیم صهیونیستی علیه غزه که منجر به شهادت ده‌ها هزار غیرنظامی شده است، زمینه‌ساز تشدید احساسات ضدصهیونیستی در جهان شده است. از سوی دیگر با توجه به تشدید تنش‌های جهانی و گسترش افکار عمومی منفی نسبت به رژیم صهیونیستی در هفته‌های گذشته، احتمال عملیات‌های مشابه به اهداف رژیم صهیونیستی یا دیپلمات‌های صهیونیست در آینده وجود دارد. همین مسئله‌ها منجر به نگرانی شدید صهیونیست‌ها و دستگاه‌های امنیتی آنها شده است.

- پیامدهای سیاسی داخلی برای رژیم صهیونیستی: یائیر گولان که اخیراً به دلیل مواضع بی‌سابقه افشارگرانه علیه جنایات ارتش و دولت صهیونیستی در محافل سیاسی- رسانه‌ای داخلی شهرکنشینان مطرح شده است، در واکنش به این عملیات ضدصهیونیستی موضعی متفاوت از سایر مقامات صهیونیست گرفت. رئیس حزب دموکرات در اراضی اشغالی در واکنش به تیراندازی مرگبار به کارکنان سفارت رژیم صهیونیستی مقابل موزه یهود در واشنگتن، اعلام کرد کابینه بنیامین نتانیاهو باعث تشدید یهودستیزی شده است. گولان اعلام کرد: من در اندوه خانواده‌های قربانیان کشته‌شده در حمله در واشنگتن شریکم. وی گفت: کابینه بنیامین نتانیاهو است که یهودستیزی و انجر از اسرائیل را تئذیه می‌کند و نتیجه آن، انزوا ی سیاسی بی‌سابقه و خطر علیه هر یهودی در هر جای جهان است.

- اعتراف برخی چهره‌های سیاسی صهیونیست به واکنشی بودن عملیات‌هایی مانند هدف قرار دادن ۲ دیپلمات صهیونیستی در واشنگتن از این جهت اهمیت دارد که منجر به فروریختن بیش از پیش چهره ساختگی دموکراتیک و اخلاقی رژیم صهیونیستی در انظار جوامع غربی و جهان می‌شود؛ رویدادی که از ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ میلادی آغاز شده و تاکنون باشدت بی‌سابقه‌ای ادامه دارد و رژیم صهیونیستی را درگیر انزوایی بی‌سابقه کرده است.

۳ خرداد ۱۴۰۴، روزنامه فرهیختگان در گزارشی مفصل با عنوان «۵۲۹۹۸ اقدام دیگر باقی‌مانده است»، به تحلیل ابعاد و اهمیت واقعه ترور در واشنگتن پرداخت و این دستاوردها را برایش ذکر کرد:

- کشیده شدن فشارها از رژیم صهیونیستی به صهیونیسم جهانی: فشارها در طول جنگ طوفان‌الاقصی صرفاً بر رژیم صهیونیستی اعمال شده است، در حالی که تل‌آویو بخشی از صهیونیسم جهانی است؛ هرچند مهم‌ترین بخش آن باشد. ترور‌های آمریکا نشان می‌دهد اعمال فشار علیه رژیم صهیونیستی در حال کشیده شدن به صهیونیسم جهانی، اما متمرکز بر ارتباطات با تل‌آویو است.

برای کشیدن ترمز رژیم صهیونیستی، تحرکاتش در آمریکا باید ضربه بخورد. این اساس اقدامات فعالان ضد جنایت‌های رژیم در آمریکاست. آنها جوانان توقف حمایت سیاسی و تسلیحاتی کشورشان از صهیونیسم هستند. دانشجویان همچنین خواهان توقف همکاری میان دانشگاه‌هایشان با دانشگاه‌های رژیم‌اند. بخشی از کارمندان شرکتی مانند گوگل هم نسبت به استفاده ارتش رژیم از دستاورهای هوش مصنوعی شرکتشان خوشگمین‌اند. احتمال می‌رود ترور واشنگتن بر این خط منطبق باشد.

صفحه ۷

دوشنبه ۲۶ خرداد ۱۴۰۴

۲۰ ذی‌الحجه ۱۴۴۶ – شماره ۲۳۸۸۲



شهید سیدمحمدباقر حکیم

شهید عداد مغنیه

شیخ ابراهیم زکرائی

دکتر رمضان عبدالله

سردار ابراهیم محمدزاده

چراغی در مه



روایت واژه، زن و سکوتی که سیاست تاب نیابد.

زن، واژه‌ای‌ست هزارساله، پوشیده در معنا. و گاه، زنی تنها با چند جمله، آن چنان پرده از حقیقت برمی‌دارد که امپراتورهای واژه‌ستیز را به لرزه می‌اندازد.

در شبی بارانی، جایی در لیون، در دل اروپای متضدن، زنی آرام از میان خیابان‌های خیس گذشت؛ چتری بسته در دست، نگاهی گمشده میان مه، و لب‌هایی که کلمات را در خود محاله می‌کردند. نامش «مهدیه اسفندیاری» است…

ترجمی از غرب آسیا، از سرزمینی که تاریخش با مقاومت و ایثار نوشته می‌شود و جغرافیایش با مرزهای از خود گذشتگی.

او واژه را حرفه ساخته بود، با مأوا ساخته بود. سال‌ها ترجمه کرده بود؛ نه فقط زبان، بلکه درد را، غربت را، مقاومت بی‌صدا را.

و در یکی از شب‌های اسفند، آن‌گاه که نوار غزه در آتش می‌سوخت و صدای مادران در غبار سانسور گم می‌شد، مهدیه تنها چند جمله نوشت:

جمله‌هایی بی‌خطابه، بی‌شعار؛

در ستایش مادری که در میان آوار و زیر حملات وحشیانه صهیونیسم هنوز نان می‌پخت.

همین چند خط، کافی بود تا قدرت، چهره دیگر خود را عیان کند.

دادستانی پاریس، در حکمی سرد و بی‌تأمل، نوشت: «تمجید از تروریسم!»

و واژه، دوباره زندانی شد.

اما مگر تمجید از مقاومت یک مردم در مقابل اشغالگر ستایش تروریسم است؟!

مگر کسی از اسلحه سخن گفت، یا خشونت را ستایش کرد؟

مهدیه فقط از مادری نوشت که آغوشش پناه آخر کودکی بود که جهان، حتی نامش را نپرسید.

او فقط ترجمه کرد: صدای بی‌صدایان را. و شاید آنچه بیش از همه دستگاه قدرت را آشفته کرد، این بود که واژه‌ها، نه از دهان مردی پریهاهو، که از دل زنی آرام برآمده بود… زنی که به صداقت ایمان داشت.

اما مهدیه تنها نبود. پیش از او نیز، چراغی در مه افروخته شده بود.

مردی از صور، از یطن ایمان و اندیشه، که نامش در تاریکی‌ها هنوز می‌درخشد: امام موسی صدر.

امامی که زن را نه سایه مرد، بلکه ستون جهان می‌دانست.

او می‌گفت: زن، اگر در مدار معنا زندگی کند، تاریخ را تغییر خواهد داد.

در نگاه او، مادر نه یک نقش اجتماعی، بلکه حقیقتی هستی‌شناختی بود؛ تجلی رحمت، مبدأ تعلیم، پیام‌آور بیداری.

او هشدار می‌داد: تمدنی که زن را از معنا تهی می‌کند، فردا را ویران خواهد کرد.

و مهدیه، بی‌آنکه نامی ببرد، به همان راه رفته بود.

او نیز زن را نه قربانی، بلکه راوی حقیقت می‌دید.

او سکوت را شکست، اما نه با طبل، با قلم.

با ترجمه‌ای که به‌جای زبان، انسان را می‌فهمید.

در جهانی که زن با باید ساکت بماند، با نقش بازی کند،

مهدیه ترجیح داد معنا باشد.

و این همان چیزی‌ست که ظلم از آن می‌ترسد.

استعمار از زنانی هراس دارد که معنا دارند، نه نقش؛

که سکوت را تفسیر می‌کنند.

و اگر امروز چراغی در مه می‌سوزد، نه به خاطر پرتوهای پر زرق‌وبرق،

بلکه به خاطر کسانی است که پیش از ما،

در تاریکی ایستادند و خاموش نشدند.

از موسی صدر در کوچه‌های بی‌نشانی،

تا مهدیه در سلول‌های بی‌پنجره.

آنان به ما یاد دادند که اگر زن، واژه را با مهر بیامیزد،

نه‌تنها تاریخ را روایت می‌کند، بلکه

تاریخ را باز می‌نویسد.

روایت صدقانه‌ای

عروج عاشقانه

ابوالقاسم محمدزاده

در فاصله چند متری با بعثی‌ها درگیر شدیم، کاظم روی تپه بود که زخمی شد. رفتم کنارش، خون زیادی ازش رفته بود. خواستم بلندش کنم که گفت:

– برو.

گفتم: می‌رم‌ت اورژانس، بیمارستان

گفت: آقا اینجاست. بعد هم آرام گفت: السلام علیک یا صاحب الزمان(عج) و با لبخند پر کشید.

موضوع: شهید کاظم خائف
جمعی ادوات خراسان رضوی



یک شهید، یک خاطره

به دنبال قمقمه

مریم عرفاتیان

بعد از عملیات بیت‌المقدس و پاتک‌های دشمن، من و رمضان عامل تصمیم گرفتیم برای آوردن مجروحینی که بیسن ما و خط عراقی‌ها مانده بودند اقدام کنیم. با تعدادی از نیروهای داوطلب دو گروه تشکیل دادیم که یک گروه به سرپرستی رمضان و یک گروه به سرپرستی من بود. پس از اذان صبح به راه افتادیم. بعد از مدتی جست‌وجو فقط یک مجروح پیدا کردیم که چهار نفر از افراد گروه مأمور به عقب رساندن وی شدند. بقیه تصمیم گرفتیم در راه برگشت هرکدام یک شهید را با خود ببریم. در همین موقعیت یکی از برادران صا زد که: «بیتجا..بیتجا به مجروح هست…» اگرچه موقع رفتن او را دیده بودیم، اما چون تکان نخورده بود فکر کردیم که شهید شده است. با توجه به این که خون زیادی از دست داده و بی‌حال بود، سریعاً او را روی برانکارد گذاشتیم تا بلندش کنیم. گفت: «یه لحظه صبر کنین، قمقمهٔ من کجاست؟»

من گفتم: «حالا قمقمه چه ارزشی داره؟»

ایشان اصرار کرد و من هم قمقمه را برداشتم. با کمال تعجب دیدم در آن هوای گرم، قمقمه پر از آب سرد است! با اینکه جلد هم نداشتم! جریان را از خودش پرسیدیم. گفت: «بروز ظهر که در اثر خونریزی زیاد عطش شدیدی داشتم، به حضرت زهرا(س) متوسل شدم و از ایشان کمک خواستم. صدایشان زدم تا از حال رفتم. در همان حال صدای یک نفر آمد که گفت: این قمقمه کنار تو هست چرا از آن آب نمی‌خوری؟ من از دیروز به برکت عنایت حضرت زهرا(س) از این قمقمه آب می‌خورم…»

قمقمه را با جفیهٔ خودم، زیر شکم آن برادر مجروح بستم و او را به عقب بردیم. وقتی به سنگر کمین رسیدیم، آقای عامل آنجا بود. پرسید: «چرا این قدر دیر اومدید؟»

جریان را گفتم. مجروح را به پشت خاکریز منتقل کردیم و به آمبولانس رساندیم. آمبولانس که حرکت کرد، یکبار به یاد قمقمه افتادیم! سریع یوئیدم و به راننده گفتم: «نگهدار…»

ولی هرچه گشتم قمقمه را پیدا نکردم! از همه پرسیدم؛ اما هیچ کس خبر نداشت. رمضان پرسید: «حالا از آن آب خوردید؟»

– نه می‌خواستم بیاورم پشت خط که همه با هم بخوریم. این را که گفتم همه متأسف شدند. رمضان گفت: «آقای کریمی من می‌خواهم همین مسیری رو که اومدید بروم. شاید قمقمه رو پیدا کنم. شما اگه می‌تونید همراهم بیایید.»

قبول کردم. اگرچه مطمئن بودم قمقمه را آن قدر محکم بسته بودم که ممکن نبود بیفتد. هوا روشن شده بود، من و رمضان همان مسیر را برگزشتیم. دشمن کاملاً به منطقه مسلط بود. برای همین گاهی سینه‌خیز و گاهی هم ایستاده می‌رفتیم. بالاخره به همان جایی که برادر مجروح را پیدا کرده بودیم رسیدیم. هنوز جای قمقمه و خونی که از او رفته بود روی شن‌ها مانده بود. آقای عامل کمی از خاک آنجا را توی دستمالش ریخت و گفت: «این هم تبرک است.»

راوی: کریمی، هرمزم شهید رمضان عامل گوشه‌نشین